

جایگاه اخلاقی عفت در سوره نور با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی^۱

علیرضا آل بویه*

سهیلا حسن زاده**

چکیده

عفت یکی از مفاهیم اخلاقی است که هر چند در اخلاق فلسفی یونانیان به عنوان یکی از فضائل چهارگانه مورد بحث است، اما در منظومه ارزش‌های اخلاق دینی جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن توجه ویژه‌ای به مسئله عفت و نقش آن در سلامت فردی و اجتماعی دارد و در برخی از سوره‌ها از جمله سوره نور به طور خاص بدان پرداخته است. با بررسی جایگاه عفت در سوره نور می‌توان دریافت که خداوند در آیاتی به هم پیوسته و مرتبط عفت فردی و اجتماعی و نیز اسباب به‌دست آوردن آن را مورد اشاره قرار داده است. اقسام عفاف جنبه‌های مختلف زندگی انسان را در بر گرفته و زنان و مردان هم در نگاه، و هم در گفتار دعوت به رعایت عفاف و خویش‌داری شده‌اند. همچنین راهکارهای گسترش این فضیلت اخلاقی در جامعه نیز از آیات سوره نور قابل استفاده است. پژوهش حاضر پس از بیان اقسام عفاف در سوره نور در مورد عفت به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و شیوه تفسیری به خصوص آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی به تحلیل آن‌ها پرداخته است. از بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل می‌شود که عفت از نظر آیت‌الله جوادی آملی حالتی نفسانی است که باعث جلوگیری از غلبه شهوت بر انسان شده و در مسائل غریزی و مالی هم استفاده شده است. و از راهکارهای عملی در تحصیل و گسترش عفاف؛ تلاش برای تهذیب نفس، پوشیدگی روابط جنسی همسران، ترویج فرهنگ ازدواج و داشتن توان مهار خواهش‌های نفسانی است.

کلیدواژه‌ها: سوره نور، اخلاق، عفاف، ترویج و گسترش عفت، آیت‌الله جوادی آملی.

۱. از حمایت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی در انجام این تحقیق، تشکر و قدردانی می‌شود.

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (a.alebouyeh@isca.ac.ir)

** دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم تربیتی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، خراسان (نویسنده مسئول) (Soheyla_Hasanzadeh@miu.ac.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹)

مقدمه

مقوله عفت از ارزش‌های اخلاقی است که خداوند اصل گرایش به آن را در وجود انسان نهاده و متون دینی همواره به صیانت، رشد و تقویت آن توجه و تاکید نموده‌اند، اهمیت بالای این موضوع و نیز آثار مهم و عمیق تقویت یا تضعیف آن در جامعه تا آنجاست که در آیاتی از قرآن کریم به صورت صریح و قاطع، به رعایت آن دستور داده شده و ابعاد مختلف این موضوع به خوبی روشن گردیده است.

عفت‌ورزی در آیات متعددی مورد تاکید قرار گرفته است. واژه عفت در قرآن دوبار برای امور اقتصادی و دوبار درباره امور مربوط به قوه شهوت استفاده شده است. خداوند در آیه ۲۷۳ سوره بقره، صدقات را مخصوص نیازمندی می‌داند که به خاطر خداوند فرومانده‌اند و به دلیل شدت خویشتن‌داری، غنی به نظر می‌آیند. در آیه ششم سوره نساء نیز کسانی را که غنی هستند و اموال یتیمان در دست آن‌ها امانت است، از گرفتن دستمزد از مال یتیمان، با واژه «فَلْيَسْتَعْفِفْ» بر حذر می‌دارد. در آیاتی زندگی عقیفانه ذکر شده است؛ در آیه ۳۳ سوره نور خداوند کسانی را که به دلیل ضعف مالی توان ازدواج ندارند به عفت‌ورزی توصیه کرده است تا آنان را بی‌نیاز سازد و در همین سوره آیه ۶۰ زنان سالمندنی که از سن ازدواج گذشته‌اند را مجاز به نداشتن حجاب دانسته؛ ولی رعایت عفت را به آنان توصیه کرده است. علاوه بر این آیات، در آیات بسیاری گرچه واژه عفت به کار نرفته است ولی مصادیقی از عفت مورد تأکید قرار گرفته است. در سوره نور به مسئله عفت توجه ویژه‌ای شده است. با توجه به اهمیت عفت در سلامت فردی و اجتماعی و با توجه به اینکه یکی از محورهای اصلی سوره نور، مسئله عفت است، در این مقاله به این مهم پرداخته می‌شود.

از این رو در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سعی بر این است که مسائل اخلاقی عفاف به معنای خویشتن‌داری در مسائل جنسی که امری درونی و فضیلتی اخلاقی است و همه افراد موظف به انجام رفتار عقیفانه هستند، را در سوره نور به تصویر کشیده و نکته‌های اخلاقی آن و راهکارهای تحصیل و گسترش عفت را به خصوص با توجه به آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

پیشینه

در خصوص پیشینه مسئله برخی از آثار در خصوص عفت به نحو عام وجود دارد که بدان اشاره می‌گردد:

کتاب «سوره نور، شعاع عفت»؛ از ابوالفضل بهرام‌پور که در این کتاب به تفسیر سوره نور پرداخته شده است. اما در پژوهش حاضر با توجه به تفسیرهای مختلف جایگاه عفت بر مبنای دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شده است.

و دیگر پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با موضوع «ساختار معنایی سوره نور با محوریت عفت»؛ ربابه فلاح ولیکچال که به بررسی ساختار سوره نور پرداخته است و در این سوره خداوند متعال در آیاتی به هم پیوسته و مرتبط، به عفت فردی و اجتماعی و اسباب به دست آمدن این صفت اخلاقی اشاره می‌کند و راهکارهای مختصری برای پررنگ شدن این صفت اخلاقی در جامعه مقابل انسان قرار می‌دهد. اما در نوشته حاضر به بیان اقسام عفت و راهکارهای تحصیل و گسترش عفت در سوره نور از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شده است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با موضوع «جایگاه اخلاقی عفت از منظر قرآن و روایات و تأثیر آن در زندگی اجتماعی»؛ زهره نقیان، در این نوشته به نقش محوری عفت با

توجه به همه آیات قرآن کریم و روایات در اخلاق اسلامی پرداخته است اما در نوشته پیش رو جایگاه عفت فقط در سوره نور بیان شده است.

و همچنین مقالاتی با عنوان «روش قرآن کریم در نهادینه سازی عفاف و حجاب با ترتیب نزول آیات عفاف و حجاب»؛ زاهدی و همکاران، «نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن بر مبنای سوره نور»؛ سیده شیرین حجازی، «راهکارهای قرآنی ترویج عفاف و حجاب و مقایسه آن با عملکرد رسانه ملی»؛ فریده پیشوایی، «شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور، نجمه خجسته و الهام خرمی نسب و «عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات، کاظم قاضی‌زاده، علی احمدی سلمانی، در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر انجام شده است، اما در مقالات مذکور بیشتر به جنبه اخلاقی عفت پرداخته شده است و به صورت مستقل و منسجم، که به جایگاه اخلاقی عفت در سوره نور با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی ذکر شده باشد، دیده نشده است.

عفت در علم اخلاق

«عفت» دارای دو مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خویشتن‌داری در برابر هر گونه تمایل افراطی نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراطی جنسی یا همان «عفت جنسی» است. (عفت در هر دو مفهوم عام و خاص آن اختصاص به جنس زن ندارد، بلکه هم برای زن و هم برای مرد یک ضرورت است).

عفت در مفهوم خاص آن (عفت جنسی) بیش از مفهوم عام آن مورد تأکید قرار گرفته است و علت آن این است که شهوت جنسی قوی‌تر از دیگر شهوات است و انسان در این امور بیشتر در معرض خطر و سقوط قرار می‌گیرد و اعتدال در این امور دشوارتر است.

علمای اخلاق مجموع فضایل نفس را چهار فضیلت می‌دانند که عبارتند از: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت. و «حکمت» را فضیلت قوه ناطقه بیان کرده‌اند؛ «شجاعت» را از فضایل قوه غضبیه و «عفت» را از فضایل قوه شهویه؛ و «عدالت» را فضیلتی می‌دانند که از اعتدال این سه قوه به دست می‌آید. در علم اخلاق عفت مربوط به قوه شهویه است. چنان که هرگاه قوای شهوانی معتدل گردید و از حد خود تجاوز نکرد و مطیع عقل شد و غرق در شهوات نشد و مخالف با دستورات قوه عاقله نبود و تحت فرمان عقل قرار گرفت، آن وقت فرد متصف به صفت عفت می‌شود و چنین کسی را عقیف می‌گویند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص. ۵۵).

انسان با توجه به قوه عقل او دارای سه قوه وهم، غضب و شهوت است. هر یک از این سه قوه وقتی در وضعیت افراط و تفریط قرار گیرند، رذایل اخلاقی نمایان می‌شوند و فضیلت‌های اخلاقی هنگامی تحقق می‌یابند که این سه قوه در وضعیت متعادل باشد. قوه شهویه که تمایلات انسانی از خوردن، آشامیدن، آمیزش جنسی و مانند آن را دربردارد، وقتی در وضعیت افراط قرار می‌گیرد، انسان به دنبال رسیدن به همه امیال خود خواهد رفت و در این میان هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. چنین وضعیت افراطی، اخلاقی تلقی نمی‌شود. متقابلاً اگر این قوه در وضعیت تفریط باشد و هر گونه میل و شهوتی را بر خود ممنوع شمارد، در وضعیتی غیر اخلاقی به سر می‌برد (ابن مسکویه، ۱۴۳۷ق، ص. ۱۰۹؛ نراقی، ۱۳۶۶، ص. ۹۶).

این مرز متعادل توسط نیروی عقل شناسایی می‌شود. بر این اساس، این عقل انسان عقیف است که عنان شهوت را به می‌گیرد و به مدیریت و کنترل آن اقدام می‌کند. عفت بدین معنا عام و شامل همه رفتارهایی است که به قصد ارضای میلی نفسانی

انجام می‌شود. با این همه بیشتر دانشمندان اخلاق، عفت را در تنها در مورد شهوت خوردن و آشامیدن و شهوت جنسی به کار بردند. برای نمونه نراقی در تعریف عفت می‌گوید: «عفت عبارت است از فرمانداری قوه شهویه از قوه عاقله به گونه‌ای که قوه شهویه در امور به خوردن و آشامیدن و مسائل جنسی پیرو امر و نهی عقل باشد.» (نراقی ۱۳۵۱، ص. ۲۴۳) شاید این کاربرد انحصاری بدین رو باشد که قوی‌ترین و مهم‌ترین میل نفسانی در انسان میل به خوردن و رابطه جنسی است. خواجه نصیرالدین طوسی (رحمه الله) در تعریف عفت گفته است:

«عفت، ملکه‌ی خلقی یا فضیلتی است که قوه‌ی شهوانی را کنترل کرده و زیر پوشش قرار می‌دهد تا اراده بر مقتضای تدبیر عقلی به سوی این قوه گسیل شود و اجازه نمی‌دهد که اراده انسان مستقیماً در دسترس قوه‌ی شهوانی قرار گیرد تا به سوی خواهش‌های نفسانی خود برود» (طوسی، ۱۳۵۶، ص. ۹۸۷).

آیت‌الله جوادی‌آملی در معنای عفت می‌گوید:

«حصول حالتی نفسانی است که از غلبه شهوت جلوگیری می‌کند. عفت و استعفاف در قرآن در مسائل غریزه‌ای و مسائل مالی بکار رفته است» (جوادی‌آملی، ۱۴۰۰، ج. ۱۷، ص. ۳۶۱).

خداوند متعال درباره عفت در مسایل غریزه‌ای در آیه ۳۳ سوره نور می‌فرماید: افرادی که توان مالی برای ازدواج ندارند یا همسر مناسبی برای ازدواج نیافتند، عفت بورزند و خویش‌تنداری نمایند. (جوادی‌آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۵۷) و در آیه ۶۰ سوره نور نیز همین مضمون بیان شده است (جوادی‌آملی، ۱۴۰۰، ج. ۶۰، ص. ۲۶۶). کاربرد عفت در امور مالی در آیه ۲۷۳ سوره بقره درباره کسانی است که در عین فقر و تهیدستی عفت می‌ورزند؛ نه به فقر تظاهر و نه دست به سوی کسی دراز می‌کنند، بلکه

آبرومندانانه زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که دیگران که از وضع داخلی آن‌ها آگاه نیستند آنان را توانگر می‌پندارند (جوادی‌آملی، ۱۴۰۰، ج. ۱۷، ص. ۳۷۲).

بنابراین با توجه به تعاریف فوق می‌توان در پرتو معنای شهوت این‌گونه بیان کرد که عفت در مفهوم خاص مربوط به قوای جنسی است. این بخش از عفاف به قدری مهم است که در عرف معمولاً واژه عفاف را در این مورد به کار می‌برند، زیرا انسان‌ها در این بخش بیش از سایر بخش‌ها در معرض سقوط قرار دارند. اما در پرتو معنای عام شهوت، عفاف به معنای خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی است که نفس به آن تمایل دارد.

نکته دیگری که از این تعاریف به دست می‌آید این است که عفت در مقابل شهوت قرار ندارد؛ به این معنی که برای دستیابی به عفت لازم نیست شهوت را به طور کلی از بین برد، چون اصل شهوت جزو نیازهای ضروری و طبیعی انسان است، بلکه باید با قدرت عقل و تسلط بر نفس، آن را در مسیر اعتدال قرار داد. به عبارت دیگر عفت، میل متوسط و در مدار اعتدال است تا بتواند قناعت بدست آورد و نفس خود را غنی نموده تا از شهوات در سایر امور در امان بماند. با توجه به دشواری قراردادن شهوت در مسیر اعتدال و عفت‌ورزی، دستورات الهی کمک شایانی در این زمینه به انسان می‌کنند، زیرا فرامین الهی منطبق با فطرت آدمی است و پیروی از آن‌ها به خصوص در مورد عفت، استعدادهای نهفته انسان را بهتر شکوفا می‌کند.

ساختار اخلاقی سوره نور

قرآن کریم ابتدا در سوره‌های معارج و مومنون به موضوع عفاف اشاره می‌کند. در این دو سوره حفظ فروج و تعهد در پایبندی به همسر در کنار اعمالی چون نماز و

زکات از صفات شاخص مومنان اعلام می‌شود، سپس در سوره احزاب با امر به پوشیدن جلباب به موضوع حجاب پرداخته است و در نهایت در سوره نور به تفصیل از عفاف و ارتباط آن با حجاب سخن گفته است. بخش بسیاری از سوره نور شامل آداب و اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در حوزه مفهوم عفت قرار می‌گیرد.

سید قطب یکی از مفسران معاصر معتقد است که محور سوره نور تربیت و سر آغاز سوره دلیلی بر توجه قرآن به اخلاق در زندگی به خصوص عفاف است (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۴، ص. ۲۴۸۷). موضوع سوره شامل آداب تربیتی است که این آداب باعث تطهیر قلوب مسلمین و اتصال قلوب به نور الهی می‌شود؛ (همان، ص. ۲۵۳۰-۲۵۲۵) آدابی که با اجرای حدود قوت می‌یابند و با تأثیرات وجدانی استوار می‌شوند و قلب را به نور خدا متصل می‌کنند (حوی ۱۴۲۴، ج. ۷، ص. ۳۶۸۰).

صاحب تفسیر نمونه نیز این سوره را سوره پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی‌های جنسی می‌داند و معتقد است بعضی از آیات این سوره که به مسائل توحید و مبدا، معاد و تسلیم بودن در برابر فرمان پیامبر ﷺ اشاره می‌کند به این دلیل است که پشتوانه همه برنامه‌های علمی و اخلاقی و مسائل اعتقادی ایمان به خدا و اعتقاد ریشه برنامه‌های اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۴، ص. ۳۵۵).

آیت‌الله جوادی آملی درباره این سوره می‌گوید:

«بخش عمده دستورهای الهی این سوره بر محور پاکسازی جامعه اسلامی و انسانی، از آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری، برپایه تشکیل خانواده و پرورش صحیح فرزندان شایسته است. عنصر محوری خانواده نیز مسئله عفاف است که از اصلی‌ترین مباحث تربیتی این سوره است، تا جایی که شاید بتوان این سوره را سوره «عفاف» نامید» (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۳۷۰).

بر اساس نظرات برخی مفسران درباره سوره نور می‌توان مفاهیم اخلاقی عفاف را از این سوره استخراج کرد (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۳۷۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱/ج ۱۴، ص. ۳۵۷؛ قطب، ۱۴۲۵، ج. ۴، ص. ۲۴۸۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج. ۶، ص. ۱۴۲؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج. ۹، ص. ۱۹۲).

اقسام عفت

برای فضیلت عفت اقسامی در آیات و روایات بیان شده است. عفت در نگاه، عفت جنسی، عفت اقتصادی یا مالی، عفت در پوشش، عفت گفتار و قلم، عفت شنوایی، عفت شکم و عفت چشم از جمله اقسام عفت قرار داده شده است. در این نوشته با توجه به سوره نور اقسام عفت ذکر خواهد شد.

عفت در نگاه

نگاه نقطه آغازین روابط زن و مرد است، و اگر کنترل نشود زمینه‌ساز ادامه ارتباط و باعث ظهور انحرافات جنسی می‌گردد و پیامدهای نامطلوبی بر جای خواهد گذاشت.

امروزه در دایره نگاه در سطح جامعه با وضعیت و شرایطی روبه‌رو هستیم که چشم‌پیرانی، ترویج هرزه‌نگاری، دیدن فیلم‌های مبتذل و عادی شدن نگاه زنان و مردان نامحرم به یکدیگر و پایین بودن حساسیت‌های افراد در این زمینه باعث ورود به منجلاب انحرافات و فساد جنسی در جوامع اسلامی به خصوص برای جوانان شده است. از طرفی در مکتب انسان‌ساز اسلام، پاکدامنی از ارزش‌های والای انسانی به حساب می‌آید و در مقابل، بی‌عفتی و بی‌بندوباری جنسی محکوم شده است. اسلام نخست با راهنمایی و هدایت، مسائل جنسی و شهوانی را کنترل و تعدیل

می‌کند، مسلمانان را به عفاف و پاکدامنی فرامی‌خواند، سپس با تدابیر حکمت‌آمیز و اصولی زمینه‌های انحراف را از میان برمی‌دارد. اسلام به مردان و زنان دستور می‌دهد که بی‌عفتی نکنند و از آنان می‌خواهد که اسباب لغزش و گناه یکدیگر را فراهم نسازند.

قرآن کریم برای تنظیم روابط سالم اجتماعی زن و مرد، به نکته‌ای مهم و اساسی اشاره می‌کند و به مردان با ایمان می‌گوید که چشم‌های خویش را از زنان نامحرم فرو گیرند. همچنین به زنان مومن فرمان می‌دهد که نگاه خود را از مردان نامحرم برگیرند. قرآن کریم در آیه‌ی ۳۰ و ۳۱ سوره‌ی نور به ممنوعیت چشم‌چرانی مردان و لزوم حجاب مردان و زنان و تأثیر آن در پاکی و رشد آنان اشاره می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۵۵).

خداوند متعال در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیش‌شان یا بردگان‌شان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آن‌ها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و

همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید»^۱.

خداوند در آیه ۳۰ سوره نور تکلیف کنترل نگاه و ستر عورت را برای مردان مقرر نموده و در آیه ۳۱ همان تکلیف را برای زنان مورد تأکید قرار می‌دهد. عقیده برخی بر آن است که خطاب «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ» برای زن و مرد کفایت می‌کرد، لکن خداوند «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ» را مخصوصاً ذکر نمود است تا اهمیت مسئله را برساند و امرش را تأکید نماید. برخی از مفسران در این باره می‌گویند: «خداوند زنان را به منظور تأکید اختصاصاً ذکر نمود، زیرا در قول خداوند متعال کلمه مومنین شامل زن و مرد مومن می‌شود، چرا که هر خطایی در قرآن عام است» (قرطبی، ج. ۱۲، ص. ۲۲۶؛ زحیلی، ج. ۱۸، ص. ۲۱۵).

زمخشری و فخر رازی علت این را که چرا دیده را فرو کاهند بر پاکدامنی ورزیند مقدم شده است این می‌داند که زنا با نگرستن آغاز می‌شود و نگاه کردن پیش زمینه کارهای بد است، در نتیجه فتنه آن شدیدتر و بیش تر است و چه بسا افرادی که نتوانند پس از نگاه کردن خویشتن‌داری کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۳، ص. ۲۳۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ه. ق. ج. ۲۳/ص ۳۶۸).

مراقبت و صیانت از چشم و دامن، از راه‌های تزکیه نفس است و مؤمن را از خطر ارتکاب فحشا حفظ می‌کند. مؤمنان باید بدانند که ریز و درشت اعمالشان زیر ذره‌بین

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۳۰ و ۳۱).

الهی است و او به آنچه انجام می دهند حتی از قصدشان آگاه است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۵۸۹).

خداوند متعال پس از نهی مؤمنان از ورود بی استیذان به خانه دیگران در آیه ۳۰ سوره نور، ادب اجتماعی را نیز می آموزاند که مؤمنان باید از نگاه به نامحرمان درون خانه چشم پپوشانند و برای احترام، حفظ آبروی اشخاص و امنیت به خانه دیگری نگاه نکنند، حتی اگر بدانند که نامحرم در خانه نیست. رعایت این ادب اجتماعی، زمینه عفاف عمومی را فراهم می کند بنابراین حکمت حرمت نگاه، به کامیابی جنسی اختصاص ندارد (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۵۹۶). همچنین کاهش نگاه و ارتباط بصری آزاد میان زنان و مردان، پوشش بهتر و حفظ حریم پاکی و عفت در روابط اجتماعی را نتیجه خواهد داد.

عفت در پوشش

یکی از مهم ترین مصادیق «عفاف»، مسأله «حجاب و پوشش» است. هوای نفس انسان امر می کند که زیبایی های جسمی خود را نمایان کند تا بیشتر مورد توجه دیگران قرارگیرد. این مسئله در مورد زنان که مظهر زیبایی و جمال هستند و از طرفی ذاتا دوست دارند که زیبایی هایشان را نمایان کنند، بیشتر مطرح است. عفاف در پوشش در حقیقت کنترل نفس در این بعد است؛ یعنی عفاف باعث می شود که انسان در نمایان کردن زیبایی های خود پا را از حد اعتدال فراتر نهد.

در اسلام، پوشش یکی از نشانه های برجسته عفاف است که به صورت حجاب تبلور پیدا می کند. زیرا زنان در جاهلیت گردن و گریبانشان را باز می گذاشتند و خداوند متعال در آیه حجاب پوشاندن سر و گردن و گریبان را بر آنان واجب کرد، قرآن کریم

پوشش را یکی از ویژگی‌های مهم زن مسلمان بیان می‌کند: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...؛ روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند» (نور، ۳۰) «خمر» جمع خمار بر وزن حجاب در اصل به معنای پوشش است، ولی به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری). (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ص. ۲۹۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۲۹۳) «جیوب» جمع جیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه نیز اطلاق می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۲۹؛ قرشی بنائی، ۱۳۷۱، ج. ۲، ص. ۹۲). از این جمله بدست می‌آید که زنان در جاهلیت و قبل از نزول این آیه روسری خود را به روی شانه یا پشت سر می‌انداختند به طوری که گردن و کمی از بدن آنها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری یا چادر یا مقنعه بزرگی بر سر نمایند تا هم گردن و هم آن قسمت از بدن که نمایان است پوشانده شود (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۱۴).

قرآن مجید، به شکل ظریفی به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، روپوش‌های خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در ادامه می‌فرماید: اگر عفت پیشه کنند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ أَهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را بیوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.» (نور، ۶۰) در این آیه شریفه، کلمه «یستعففن» به معنای عفت از تبرج است. کلمه «تبرج» به معنای این است که زن محاسن و زیبایی‌های خود را که

باید بپوشاند اظهار کند. این کلمه در اصل به معنای ظهور بوده، برج را هم به همین جهت برج نامیده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۲۲۷).

حقیقت تبرج آن است که آدمی به اظهار آنچه پوشاندنش واجب است، تعمّد و اصرار داشته باشد، در این مورد بخصوص مراد آن است که زن، با نمایاندن زینت‌ها و آشکار ساختن زیبایی‌های خود، خویشتن را در معرض دید مردان نامحرم قرار دهد، اما عفت ورزیدن «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ» ، به این که لباسهای رویین خود را بپوشند، برای آنان بهتر است، اگر چه ممنوعیت و حرمت شرعی از آن‌ها در این سنّ برداشته شده است (طبرسی، ۱۴۰۰، ج. ۴، ص. ۳۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۳، ص. ۲۵۵).

این آیه استثنایی از حکم عمومی حجاب است، و معنایش این است که بر هر زنی حجاب واجب است مگر زنان مسن، که می‌توانند بی حجاب باشند، البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند. و جمله «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» کنایه است از خودپوشی، یعنی همین زنان سالخورده نیز اگر خود را بپوشانند بهتر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۲۲۷).

بنابراین آیه، خداوند برای این گروه از زنان برداشتن این نوع لباس را مباح دانسته است، به شرط این که زینت‌های خود را ظاهر نسازند این نکته نیز روشن است که منظور از کنار گذاشتن لباس‌ها برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست، بلکه کنار گذاشتن چادر و روسری مراد است (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۶۰، ص. ۲۷۰).

در بعضی روایات از آن تعبیر به جلباب و خمار (چادر و یا روسری بزرگ شبیه چادر) کرده است و امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «منظور روسری و چادر است، راوی می‌گوید: از امام پرسیدم: در برابر هر کس که باشد؟ فرمود: در برابر

هر کس باشد، اما خود آرایی و زینت نکند.^۱ (کلینی، ۱۴۲۹، ج. ۱۱، ص. ۱۹۸).

عفت در پوشش و پوشاندن اعضا بدن از دید نامحرمان و ستر عورت از واجبات دینی و از دستورات قرآنی است که به وسیله آن احترام و شخصیت انسان حفظ شده و از اذیت و آزار دیگران در امان خواهد ماند.

قرآن کریم به پوشیدگی روابط جنسی همسران سفارش می‌کند، و اینکه روابط زناشویی باید کاملاً پنهانی و به دور از نگاه دیگران، حتی فرزندان خانواده باشد و این دستور برای حفظ استفاده شرم و حیا و جلوگیری از آلودگی‌های اخلاقی و جنسی است. خداوند متعال در این زمینه در قرآن کریم آیه ۵۸ سوره نور می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایند) این گونه خداوند آیات را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است».^۲ اسلام برای جلوگیری از مفسدات اجتماعی یک نظام هماهنگ بین جامعه و خانواده ایجاد کرده است؛ یعنی از طرفی با اعمال منافی عفت در جامعه به شدت برخورد می‌کند تا محیط اجتماع سالم باشد و از طرف دیگر به خانواده‌ها

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «الْخِمَارُ وَالْجَلْبَابُ» قُلْتُ: بَيْنَ يَدَيْ مَنْ كَانَ؟ فَقَالَ «بَيْنَ يَدَيْ مَنْ كَانَ غَيْرَ مُتَبَرِّجَةٍ بِرَبِيَّةٍ».
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

آموزش می‌دهد که از تحریک جنسی نوجوانان پرهیز کنند تا زمینه‌های فساد در خانواده‌ها برطرف شود و به جامعه کشیده نشود.

آشکار شدن کشش‌های جنسی در سطح جامعه زمینه‌ساز ناهنجاری‌های جنسی روابط نامشروع و دیگر نابسامانی‌ها خواهد شد، بنابراین آشکار نکردن کشش‌های جنسی یکی از مهمترین پایه‌های گسترش حجاب و عفاف در جامعه اسلامی است از همین رو سزاوار است همه عناصر موثر بر فرهنگ و روابط اجتماعی جامعه اسلامی با تمام توان در حفظ حیات جنسی جامعه بکوشند و از همه مهمتر برنامه‌ریزی کلان نظام اسلامی نیز باید به سمت و سوی باشد که زمینه‌های طرح روابط جنسی در سطح جامعه کاهش یابد و در بستر خانواده قرار گیرد.

عفت در رفتار

رفتار؛ واکنشی است که حاصل بینش و اعتقاد فرد را بیان می‌کند و به طور طبیعی بیانگر شخصیت فرد است. «رفتار ثمره شناخت است و بستگی به میزان بینش و اعتقاد انسان دارد که به وسیله این‌ها تغییرات کمی و کیفی فراوانی که در رفتار فرد حاصل می‌شود» (معین‌الاسلام، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۲).

عفاف در رفتار عبارت از این است که انسان از حد شایسته و اعتدال خود که اسلام مشخص کرده، تجاوز نکند. اگر غریزه شهوانی از حد و مرز شرعی خود تجاوز کند، آتش شهوت را شعله‌ور ساخته و دام شیطان را برای خود می‌گستراند.

زنان در جاهلیت برای جلب توجه مردان افزون بر گوش و گردن و دست، به پاهایشان نیز زینت می‌آویختند و هنگام راه رفتن به گونه‌ای گام برمی‌داشتند که صدای خلخال پاهایشان مردان نامحرم را به خود جلب می‌کرد؛ خداوند متعال آنان را از این

کار نهی کرد و فرمود زنان مؤمن در راه رفتن پاها را بر زمین نزنند که زینت باطنی شان دیده شود و سبب تحریک نامحرمان گردد، بلکه زنان در راه رفتن باید به گونه‌ای راه بروند که مردان به آنها طمع نکند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۱۹).

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ آن‌ها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان آشکار نشود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد)» (نور، ۳۱). آن‌ها در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در مردان شعله‌ور می‌کند و ممکن است منتهی به انحراف از مسیر عفت شود، آن‌چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخال که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این نهایت دقت اسلام در این زمینه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۴، ص. ۴۴۱). این مطلب بیانگر آن است که اسلام به قدری در مورد حفظ حریم عفت پافشاری می‌کند که حتی اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. بنابراین، به طریق اولی به انجام هرگونه اموری مانند سبکی، هرزگی و ... که آتش شهوت جوانان را شعله‌ور می‌کند اجازه نخواهد داد.

عفت جنسی

یکی از بزرگترین عوامل حفظ فرد و جامعه از زشتی‌ها، داشتن توان مهار خواهش‌های نفسانی است. کسانی که قدرت مهارکشش‌های درونی خویش را دارند، می‌توانند خواسته‌های جنسی خود را جهت‌مند کنند و از آسیب‌های خطرناک رها شدن شهوت‌ها در امان بمانند. عدم توجه به عفت جنسی در فرآیند گذار از زندگی سنتی به مدرن، موجب از بین رفتن نهاد خانواده، به دنیا آمدن فرزندان بی‌هویت، سلب حق حیات انسانی از طریق سقط جنین‌های نامشروع،

انواع بیماریهای مقاربتی، گسترش تجاوز به عنف و هتک حرمت زنان و حتی مردان و گسترش همجنس‌گرایی و... شده، موجبات تخریب نفس، نسل و حتی عقل آدمی را در پی داشته است. امروزه با توجه به رشد روزافزون آمار جرایم جنسی، بی‌بندوباری و شهوترانی، بیماری‌های مقاربتی، تجارت سکس و توسعه پرنوگرافی، توجه اندیشمندان و دانشمندان غیرمسلمان نیز به مسأله عفت جنسی روزبه‌روز در حال افزایش است.

«وندی شلیت» در مورد این که زنان برای اثبات آزادی، مثل مردان هرزگی کنند در نهایت صدمه خواهند دید چنین می‌نویسد: «بدیهی است وقتی اجازه دادیم هر کاری آزاد باشد، آزار جنسی، مزاحمت‌ها و تجاوز به عنف هم افزایش پیدا می‌کند، جامعه‌ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است» (شلیت و همکاران ۱۳۸۴، ص. ۶۳). این در حالی است که شریعت اسلام در راستای سالم‌سازی جامعه و رشد انسان‌ها، توجه ویژه‌ای به موضوع عفت کرده است، زیرا عفت، از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد، موجب طهارت درونی و نقطه‌مقابل شکم‌پرستی و شهوترانی است و از مهم‌ترین فضائل اخلاقی به‌شمار می‌رود (پاک‌نیا، ۱۳۹۰، ص. ۱۳).

اهمیت این مسأله بقدری زیاد است که اسلام میان حاصل عفت و حاصل شهوت نیز تمایز معناداری قائل شده است. حاصل عفت از طهارت نسب و نطفه برخوردار است؛ در حالی که حاصل شهوت موجب عدم رعایت عفت جنسی و موجودی ناقص در حقوق معنوی است.

از نگاه قرآن کریم، با ازدواج و بستن پیمان زناشویی، نیازهای جنسی، روحی روانی زن و مرد تامین شود، ولی کسانی که امکان برقراری پیوند و پیمان ازدواج را

ندارند تا زمانی که امکان ازدواج برای آن‌ها فراهم آید، باید عفت و پاکدامنی و خویش‌داری را پیشه خود سازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۵۷؛ جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۵۳).

قرآن کریم هر نوع بی بند و باری خارج از کیان خانواده را مذموم می‌شمارد و رعایت پاکدامنی را به عنوان حفظ سنت الهی برای سلامت نسل واجب می‌شمارد و سوره نور آیه ۳۳ می‌فرماید: «و آن‌ها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد و بردگانی از شما که تقاضای مکاتبه (قرار داد مخصوص برای آزاد شدن) را دارند با آن‌ها قرار داد ببندید، اگر رشد و صلاح در آن‌ها احساس می‌کنید (و بعد از آزادی توانائی زندگی مستقل را دارند) و چیزی از مال خدا که به شما داده است به آن‌ها بدهید، و کنیزان خود را برای تحصیل متاع دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر آن‌ها می‌خواهند پاک بمانند، و هر کس آن‌ها را بر این کار اکراه کند (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از این اکراه غفور و رحیم است (توبه کنید و برای همیشه این عمل ننگین را ترك کنید)»^۱.

لازم است که نظام اسلامی با شیوه‌های گوناگون، عفت‌ورزی را به عنوان یک ارزش مهم در کنار دیگر ارزش‌ها مطرح سازد و گسترش دهد. هر چند بار باید بر این نکته تأکید کرد که بیش و پیش از سفارش به عفت باید شرایط ازدواج جوانان فراهم شود تا با ازدواج در زمان و سن مناسب، از آسیب‌ها و فشارهای روحی و روانی در امان بمانند. نتیجه آن که خویش‌داری در مسائل جنسی، مانع از جلوه‌گری‌های

۱. «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ إِيَادِكُمْ وَلَا تَكْرَهُوا قَتْلَهُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْتُمْ نَحْصًا لِيَتَّبِعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

ظاهری در روابط زن و مرد خواهد شد و بستر حجاب و عفاف فراهم می‌آید. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۵۸-۶۵۳) قرآن درباره کسانی که به دلیل عدم توان تامین مهریه و نفقه امکان ازدواج ندارند توصیه به عفت‌ورزی کرده تا زمانی که خداوند به فضل و رحمت خود آن‌ها را بی‌نیاز کرده امکان ازدواج پیدا کنند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶۵۸-۶۵۷).

عفت در گفتار

منظور از عفت در گفتار زیبا سخن گفتن با دیگران، محکم و مطابق با واقع سخن گفتن و توهین و ناسزا نگفتن، و نفی گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق است و همچنین هرگونه ناز در کلام و تغییر صدا که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند. کلام عفیف هم از نظر محتوا و هم از نظر شیوه بیان قرین عفت است.

خداوند متعال پس از بیان حد زنا و برای سالم‌سازی فضای جامعه اسلامی و حفظ عفت عمومی و جلوگیری از تهمت‌های ناموسی و رایج نشدن فرهنگ پرده‌داری، شرط سختی برای اثبات اسناد بی‌عفتی به زنان پاکدامن و حکمی برای اتهام بی‌عفتی به زنان پاکدامن بیان می‌کند: «و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند سپس چهار شاهد (بر ادعای خود) نمی‌آورند آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید، و شهادتشان را هرگز نپذیرید، و آن‌ها فاسقانند. مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند که خداوند غفور و رحیم است، و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند سپس چهار شاهد (بر ادعای خود) نمی‌آورند آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید، و شهادتشان را هرگز نپذیرید، و آن‌ها

فاسقانند»^۱ (نور، ۴ و ۵). این آیات تهمت را به منزله‌ی پرتاب تیر و هجوم به آبروی دیگران می‌داند حتی در صورت این بی‌عفتی کلامی و تهمت زدن به زنان پاکدامن عقوبت و مجازات سختی در نظر گرفته است، تا افراد را به سوی حسن کلام سوق دهد. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۴۲۷)

راهکارهای تحصیل و گسترش عفت در سوره نور

پیش از ورود به بحث راهکارهای عملی در گسترش عفاف در پرتو آموزه‌های الهام‌بخش سوره نور به اختصار به ذکر رعایت عفاف و حجاب زنان در اجتماع پرداخته می‌شود.

نگاه قرآن کریم به پوشش مردان و زنان و بیان علت تفاوت آن برای مردان و زنان، در اجتماع نگاه ارزشی نسبت به آنها است، زن و مرد از روح الهی (ص، ۷۲) و کرامت الهی (اسراء، ۷۰) برخوردارند و در زیباترین قالب و ساختار خلقت آفریده شده‌اند. (تین/۴) بنابراین در انسانیت میان انسان‌ها، اعم از زن و مرد، تفاوتی نیست، به تعبیر منطقی زن و مرد دو صنف از یک نوع می‌باشند و حقیقت و گوهر آنها یک چیز است و یکی را بر دیگری برتری ندارد. خداوند بنا به حکمت برای بقاء هستی و کمال جامعه انسانی و استمرار نسل بشری این تفاوت جنسیت را قائل شده است. انسان وظیفه دارد که این تفاوت‌ها را بشناسد، نه آن که تلاش در حذف و یا تغییر آنها داشته باشد. تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد منشأ پاره‌ای تفاوت‌ها در نقش‌هایی است که آنها در خانواده و جامعه ایفا می‌کنند. در بینش اسلامی طهارت روحی و حفظ عفاف و پاکدامنی به هنگام حضور در جامعه برای هر دو جنس اصل محوری است. اختلاط زن و

۱. «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَادَةٍ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ، إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

مرد در جامعه اگر به گونه‌ای باشد که به این اصل آسیب رساند، اسلام چنین اختلاطی را نمی‌پذیرد؛ بلکه باید هر دو گروه ضمن حفظ عفت و پاکدامنی و رعایت ایمان و تقوا بتوانند از مواهب اجتماعی بهره‌مند شوند. (احزاب، ۳۵) اسلام می‌خواهد هر یک زن و مرد طبق خصوصیات و خلیقات خود رفتار کنند تا هماهنگی نظام خلقت از تعادل خود خارج نگردد. اگر زنان رفتار مردانه داشته باشند و مردان احساس زنانگی نمایند، مسیر زندگی انسانی در هم آمیخته و بی‌ثباتی در زندگی بشر حاکم خواهد گردید. در این مورد پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مردانی را که خود را به زنان شبیه می‌کنند و زنانی که خود را را به شکل مردان در می‌آورند، مورد لعن و نفرین خداوند قرار می‌گیرند.»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۰، ص. ۳۳۸)؛ همچنین حدیث دیگری در این رابطه از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: «از اینکه مردان لباسی شبیه لباس زنان بپوشند و زنان لباسی شبیه لباس مردان بپوشند بر حذر می‌داشت.»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۵، ص. ۲۵) از این رو رعایت پوشش برای زن و مرد به تناسب آفرینش هر یک، لازم و ضروری است و هر دو گروه برای حفظ حیا و عفت فردی و اجتماعی باید اهتمام ورزند. و در ادامه به راهکارهای عملی در گسترش عفاف در سوره نور می‌پردازیم.

برخورد شدید با روابط جنسی نامشروع

حجاب و پوشش ظاهری و رعایت حریم میان زن و مرد، عموماً در عفاف و حیای درونی ریشه دارد و معمولاً هرچه عفت درونی افراد کاهش یابد، رفتار و پوشش ظاهری نیز آسیب خواهد دید. بی‌حیایی و آزادی در روابط جنسی زن و مرد، زمینه هرگونه حریم ظاهری میان آن دو را از میان خواهد برد، از سوی دیگر، هرچه

۱. «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ».

۲. «يُرْجُو الرِّجُلَ أَنْ يَتَّشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ وَ يَنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَتَّشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا».

نشوید، احساسات و محبتی که نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی اجتماع ندارد، متتها برای خنثی کردن انگیزه‌های این گونه احساسات مسئله ایمان به خدا و روز جزا را پیش می‌کشد چرا که نشانه ایمان به مبدء و معاد، تسلیم مطلق در برابر فرمان او است، ایمان به خداوند عالم حکیم سبب می‌شود که انسان بداند هر حکمی فلسفه و حکمتی دارد و بی‌دلیل تشریح نشده، و ایمان به معاد سبب می‌شود که انسان در برابر تخلفها احساس مسئولیت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۴، ص. ۳۵۹).

تلاش برای تهذیب نفس

یکی از اساسی‌ترین نکات اخلاقی عفت در سوره نور تلاش برای تهذیب نفس است؛ خداوند اهل ایمان را با سه دستور سازنده و مقاوم و استوار می‌سازد: اول نماز، دوم زکات و سوم اطاعت از پیامبر «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید.» (نور، ۵۶). با این سه رکن، دین انسان چه در امور فردی و چه در امور سیاسی و اجتماعی و حکومتی، پایدار و استوار و از گزند حوادث روزگار مصون و محفوظ می‌ماند. انسان با رعایت این امور و دوری از گناه می‌تواند به حفظ و حراست خود بپردازد. و این خود یکی از راه‌های مبارزه با فساد و گناه و حفظ عفت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۲۱۸).

همچنین تزکیه در دو جمله «هو ازکی لکم» (نور، ۲۸) و «ذلک ازکی لهم» (نور، ۳۰) بیانگر این است که رعایت دستورات الهی سبب تزکیه نفس است و تزکیه سپری برای مانع از انجام دادن گناهان بزرگ شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۵۷۶ و ۵۹۳).

پوشیدگی روابط جنسی همسران

قرآن کریم به پوشیدگی روابط جنسی همسران سفارش می‌کند که روابط زناشویی باید کاملاً پنهانی و به دور از نگاه دیگران، حتی فرزندان خانواده باشد و این دستور برای حفظ استفاده شرم و حیا در جامعه و جلوگیری از آلودگی های اخلاقی و جنسی از خداوند در این زمینه در قرآن کریم سوره نور آیه ۵۸ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید».

اسلام برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی يك نظام هماهنگ بین جامعه و خانواده ایجاد کرده است؛ یعنی از طرفی با اعمال منافعی عفت در جامعه به شدت برخورد می‌کند تا محیط اجتماع سالم باشد و از طرف دیگر به خانواده‌ها آموزش می‌دهد که از تحریک جنسی نوجوانان پرهیز کنند تا زمینه‌های فساد در خانواده‌ها برطرف شود و به جامعه کشیده نشود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱۴، ص. ۲۰۶).

آشکار شدن کشش‌های جنسی در سطح جامعه زمینه‌ساز ناهنجاری‌های جنسی روابط نامشروع و دیگر نابسامانی‌ها خواهد شد، بنابراین آشکار نکردن کشش‌های جنسی یکی از مهم‌ترین پایه‌های گسترش حجاب و عفاف در جامعه اسلامی است از همین رو سزاوار است همه عناصر موثر بر فرهنگ و روابط اجتماعی جامعه اسلامی با

تمام توان در حفظ حیات جنسی جامعه بپوشند و از همه مهمتر برنامه‌ریزی کلان نظام اسلامی نیز باید به سمت و سوی باشد که زمینه‌های طرح روابط جنسی در سطح جامعه کاهش یابد و در بستر خانواده قرار گیرد.

رعایت حفظ حریم در خانه

از دیدگاه روان‌شناسان، اخلاق و رفتار در محیط خانواده پایه‌ریزی می‌شود و کودکان از طریق خانواده راه و رسم زندگی را می‌آموزند و این آموزش نقش فوق العاده و به عقیده بسیاری نقش مادام‌العمر دارد (قائمی، ۱۳۷۳، ص. ۱۷). پرورش انسان در بستری سالم و صحیح، قبل از آنکه مکلف به انجام واجبات و ترک نواهی شود، از آن جهت دارای اهمیت است، که موجب تسهیل انجام تکالیف دینی می‌باشد. آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفت عمومی دارد و آن طرز ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن است.

خداوند در آیه ۲۷ سوره نور می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی که غیر از خانه شما است داخل نشوید تا اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید» (و به این ترتیب تصمیم ورود خود را قبلاً به اطلاع آن‌ها برسانید و موافقت آن‌ها را جلب نمائید) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا». «این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید.» «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ».

اینکه در اینجا جمله «تستانسوا» به کار رفته است نه «تستاننوا» زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله اول که از ماده «انس» گرفته شده

اجازه‌ای توام با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند، و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۵۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ص. ۹۴) کلمه "استیناس" به معنای عملی است که به این منظور انجام شود، (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۴، ص. ۴۶) مانند: استیناس برای داخل شدن خانه به وسیله نام خدا بردن و امثال آن تا صاحب خانه بفهمد که شخصی می‌خواهد وارد شود، و خود را برای ورود او آماده کند، چه بسا می‌شود که صاحب خانه در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند، و یا از وضعی که دارد با خبر شود.

از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن مردم، و حفظ احترام به ایمنی و آرامش افراد است، پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند، و صاحب خانه را به استیناس خود آگاه سازد، و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید پوشاند کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی‌اش داده است (مغنیه، ۱۳۷۸، ج. ۵، ص. ۶۷۳).

قابل توجه اینکه این حکم را که جنبه انسانی و عاطفی آن روشن است با دو جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ» و «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» همراه می‌کند که خود دلیلی بر آن است که اینگونه احکام ریشه در اعماق عواطف و عقل و شعور انسانی دارد که اگر انسان کمی در آن بیندیشد متذکر خواهد شد که خیر و صلاح او در آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۴، ص. ۴۲۸).

مسئله دیگر حفظ رازها و حراست از کرامت انسان است. در درون خانه همه چیز برای اهل خانه آشکار است رازهای وجودی، اخلاق و منش یکسر هویدا است. کرامت

انسان و حیثیت و شخصیت انسان از جمله در این است که این رازها در همان قالب بماند، چه بسا با ورود افراد دیگر منافات داشته باشد (فتاحی زاده، ۱۳۷۳، ص. ۵۰). بنابراین محیط خانه هرکس حریم زندگی آن فرد است هیچ کس حق ندارد بدون اجازه وارد حریم زندگی دیگری شود، زیرا هر فرد باید در محیط خانه خود از هر لحاظ امنیت داشته باشد، کسانی که سرزده وارد خانه دیگران می‌شوند، اخلاق و ارزش و مقام انسانی را زیر پا می‌گذارد.

در سوره نور آیه ۵۸ درباره عفت عمومی و بیان حکم اخلاقی مربوط به ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر برای کودکان قبل از بلوغ است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ... ای کسانی که ایمان آورده اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند...» این آیه آموختن آداب اسلامی و اخلاق را از جمله عفت را قبل از بلوغ کودکان بیان می‌کند که کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند و درباره احکام اذن گرفتن در زندگی داخلی و خانوادگی مومنان است.

این آیات به اولیای خانه دستور می‌دهد که کودکانتان را به گونه‌ای تربیت کنید که در وقت‌های خاص به هنگام ورودشان به اتاق خصوصی شما اذن بگیرند و از کودکی تربیت شوند، تا وقتی که در جامعه گام نهند، عقیف باشند. ساختن جامعه عقیف در گرو آموزش عفت، و تربیت فرزندان در خانواده، از زمان کودکی است و پدران و مادران باید به کودکانی که زشت و زیبا و خوب و بد را تشخیص می‌دهند، احکام اخلاقی اسلام را بیاموزند (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۶۰، ص. ۲۵۲).

در آیه ۵۸ سوره نور خداوند اجازه گرفتن کودکان را به سه زمان مشخص

اختصاص داد، اما در آیه بعد زمان مشخصی را اعلام نکرده و فرزندان بالغ، در تمام اوقات باید برای ورود به اتاق والدین، اجازه بگیرند و دیگر این که رعایت عفاف و اهتمام در امر عفاف به جنس خاصی ندارد. برای ریشه‌کن ساختن يك مفسده اجتماعي مانند اعمال منافی عفت تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه کافی نیست، در هیچ يك از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد، بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی، و آموزش‌های صحیح اسلامی، و ایجاد يك محیط اجتماعی سالم، سپس مجازات را به عنوان يك عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت.

خداوند در آیه ۵۹ سوره نور می‌فرماید: «و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آن‌ها بودند اجازه می‌گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است». جمله بیانگر این حقیقت است که حکم استیذان در سه نوبت برای اطفال تا مدتی معین معتبر است، و آن رسیدن به حد بلوغ است، جوانان حریم خصوصی پدر و مادر را محترم بشمارند و قبل از ورود اجازه بگیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۲۲۷).

ترویج فرهنگ ازدواج

از دیگر راهکارهای ترویج و تثبیت عفاف در جامعه، فراهم نمودن مقدمات و زمینه‌های ازدواج آسان است. از آنجا که دین مبین اسلام، دینی جامع است و به همان نیازهای فطری و غریزی انسان توجه دارد، بر امر ازدواج تأکید فراوان دارد و در آیه ۳۲ سوره نور، به صراحت به اولیاء و سرپرستان افراد مجرد امر می‌کند که

۱. «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَهُوَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

مقدمات و زمینه‌های ازدواج آن‌ها را فراهم سازند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است.

تعبیر «انکحوا» (آن‌ها را همسر دهید) با اینکه ازدواج يك امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهوم این است که والدین، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق و ترغیب جوانان به مسأله ازدواج، مقدمات ازدواج آن‌ها را فراهم سازند. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج. ۵۹، ص. ۶؛ مکارم‌شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج. ۱۴، ص. ۴۵۷).

اهمیت این مسئله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آمده است: «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجی‌گری کنی، تا این امر به سامان برسد.»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۲۰، ص. ۴۵). ولی از آنجا که گاه با تمام تلاش و کوشش که خود انسان و دیگران می‌کنند وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، مبدا کسانی در این مرحله قرار دارند گمان کنند که آلودگی جنسی برای آن‌ها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلافاصله در آیه بعد دستور پارسایی را هر چند مشکل باشد به آن‌ها داده می‌گوید: «وَلَيْسَتَعْظِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و آن‌ها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند، تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد» (نور، ۳۳).

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تُشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّىٰ يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا».

این آیه مراد از نیافتن نکاح قدرت نداشتن بر مهریه و نفقه است و معنای آیه این است که کسانی که قدرت بر ازدواج ندارند از زنا احتراز بجویند تا خداوند ایشان را از فضل خود بی نیاز کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۵، ص. ۱۵۷). بنابراین انسان در این مرحله بحرانی و در این دوران آزمایش الهی تن به آلودگی ندهند و خود را معذور بشمرند که هیچ عذری پذیرفته نیست، بلکه باید قدرت ایمان و شخصیت و تقوا را در چنین مرحله‌ای آزمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۴، ص. ۴۵۹).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در سوره نور عفاف را در قالب یک آموزه اخلاقی بیان نموده است. عفاف، فضیلتی فراجنسی است و اختصاصی به زنان ندارد بلکه هر دو قشر زن و مرد، ملزم به رعایت آن هستند؛ و دیگر این که، برای هر یک از این دو گروه کسب این فضیلت اخلاقی ضروری است و در شرایط عادی نمی‌توان اهمیت آن را برای یک گروه (برای زنان) بیشتر دانست.

از نظر آیت‌الله جوادی آملی عفت حالتی نفسانی است که باعث جلوگیری از غلبه شهوت شده و در مسائل غریزی و مالی هم در قرآن کریم بکار رفته است. در بررسی آیات سوره نور این نتیجه حاصل شده که عفاف دارای اقسامی از جمله عفت در نگاه، پوشش، رفتار، گفتار و عفت جنسی است؛ که آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه ۳۵ مراقبت و صیانت از چشم و دامن را از راه‌های تزکیه نفس می‌داند و خویش‌داری در مسائل جنسی و پوشش را مانع از جلوه‌گری‌های ظاهری در روابط زن و مرد دانسته است، که زمینه عفاف را در اجتماع فراهم می‌کند.

نکته پایانی این که راهکارهای عملی در تحصیل و گسترش عفاف در خانواده و جامعه وجود دارد؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها از منظر قرآن برخورد با روابط جنسی نامشروع، تلاش برای تهذیب نفس، پوشیدگی روابط جنسی همسران، رعایت حفظ حریم خانه، ترویج فرهنگ ازدواج و داشتن توان مهار خواهش‌های نفسانی است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، (۱۳۸۲)، قم: انتشارات پارسایان.
۳. ابن مسکویه، ابوعلی بن محمد، (۱۴۳۷ه.ق)، تهذیب الاخلاق او کتاب الطهاره فی تهذیب الخلاق، تحقیق: السید حسین المومنی، چاپ اول، قم: المعهد العالی علوم و الثقافه الاسلامیه، مرکز احیاء التراث الاسلامی.
۴. ارسطو، (۱۳۷۸)، اخلاق نیکو ماخوس، مترجم: محمد حسن لطفی تبریزی، تهران: طرح نو.
۵. پاک‌نیا، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، عفاف سرچشمه زیبایی، چاپ اول، قم، نورالزهراء.
۶. پیشوایی، فریده، (۱۳۹۱)، راهکارهای قرآنی ترویج عفاف و حجاب و مقایسه آن با عملکرد رسانه ملی، علوم اجتماعی، مطالعات جوان و رسانه، ش ۴.
۷. تاجیک، زهرا، (۱۳۹۰)، عفت، ندای فطرت، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزمه هدایت.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۴۰۰)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء.
۹. حجازی، شیرین، (۱۳۹۷)، نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره بیستم، ش ۸۰.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه.ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۱. حوری، سعید، (۱۴۲۴ ه.ق)، اساس فی التفسیر، مصر: دارالاسلام.
۱۲. خجسته، نجمه، خرمی نسب، (۱۳۹۸)، شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور، فصلنامه علمی-ترویجی در حوزه اخلاق، س ۹، ش ۳۳.
۱۳. راغب اصفهانی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ه.ق)، المفردات فی غریب القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، چاپ اول، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
۱۵. زاهدی، عبدالرضا، ایوب امرایی و مریم نظر بیگی، (۱۳۸۹)، روش قرآن در نهاده‌سازی عفاف و حجاب با رویکرد ترتیب نزول، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، ش ۴۹.

۱۶. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ ه.ق.)، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*، ۳۲ جلد، چاپ دوم، سوریه، دمشق: دار الفکر.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ه.ق.)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، ۴ جلد، چاپ سوم، لبنان، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۸. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنی عشری*، چاپ اول، تهران، میقات.
۱۹. شلیت، وندی و همکاران، (۱۳۸۴)، *فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، ترجمه معصومه محمدی و همکاران، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، چاپ پنجم، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۵)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، ۶ جلد، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۰ ه.ق.)، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، چاپ اول، محقق: مفتاح، محمد، مترجم: نوری همدانی، حسین، تهران: فراهانی.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، محقق: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی.
۲۴. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۵۶)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و توضیح: مجتبی مینوی؛ علیرضا حیدری تهران: زر.
۲۵. فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۷۳)، *حجاب از دیدگاه قرآن و سنت*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۲۶. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ه.ق.)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، ۳۲ جلد، چاپ سوم، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۷. قائمی، علی، (۱۳۷۳)، *خانواده و مشکلات اخلاقی کودکان*، تهران: امیری.
۲۸. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۲۹. قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، ۱۲ جلد، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۳۰. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، ۲۰ جلد، تهران: ناصر خسرو.

۳۱. قطب، ابراهیم شاذلی، (۱۴۲۵ ه. ق)، فی ظلال القرآن، چاپ سی و پنجم، لبنان، بیروت: دار الشروق.
۳۲. کشمیری، حسن، اخلاق محسنی، (۱۳۶۱) / اسلام آباد: انتشارات فارسی ایران و پاکستان.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ه. ق)، کافی، محقق، مصحح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث
۳۴. معین الاسلام، (۱۳۸۸)، مریم، زن منتظر و منتظر پروری، قم، الهادی.
۳۵. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، چاپ اول، دانش، موسی، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. نراقی، احمد، (۱۳۵۱)، معراج السعادت، تهران: انتشارات علمی.
۳۸. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۶۶)، جامع السعادت، ترجمه‌ی سید جلال الدین مجتبی، تهران: حکمت.